

## جایگاه نمادین رنگ در ادبیات پایداری فارسی و عربی

### (مطالعه موردی پژوهانه: قیصر امین‌پور و محمود درویش)

صابره سیاوشی\*

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ تهران

محمد خسروی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۲۰)

#### چکیده

در ادبیات معاصر امروز، نمادها نقش مهمی در تصویرآفرینی و انتقال معانی ایفا می‌کنند. یکی از این نمادها که به شکلی هوشمندانه از سوی شاعران مورد استفاده قرار می‌گیرد، عنصر «رنگ» است. از همین روی، شاعران مقاومت با به‌کارگیری رنگ‌های مختلف، سعی در بیان آرمان‌ها و خواسته‌های خود دارند. به عنوان نمونه، قیصر امین‌پور در ادبیات پارسی و محمود درویش در ادبیات عربی با به‌کارگیری نمادها در آثار خود، تداعی‌های پُر رمز و رازی در حوزه‌های تمثیلی با زمینه‌های گوناگون فرهنگی، آیینی و تاریخی آفریده‌اند. عنصر رنگ یکی از اجزای مهم صور خیال و یکی از عناصر برجسته زبان نمادین این دو شاعر است که در خدمت بیان مفاهیم مورد نظر ایشان قرار گرفته است. این مقاله به بررسی رنگ‌های نمادین به عنوان سمبل ادبیات مقاومت در اشعار قیصر امین‌پور و محمود درویش پرداخته است. بررسی و تحلیل چهار رنگ سبز، سرخ، زرد و سیاه که بیشترین بسامد کاربردی را در اشعار این دو شاعر داشته‌اند، موضوع اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. روش کار به صورت توصیفی - تحلیلی است و نتایج نشان می‌دهد که هر دو شاعر از رنگ سیاه به عنوان نماد «حزن و اندوه»، رنگ سرخ به عنوان نماد «اعتراض و قیام»، رنگ زرد نماد «جدایی و نرسیدن به هدف» و رنگ سبز به عنوان نماد «مقاومت و پایداری» بهره برده‌اند.

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، رنگ، نماد، محمود درویش، قیصر امین‌پور.

---

\* E-mail: saberehsivashi@yahoo.com

## مقدمه

نماد «می‌تواند به معنی نمود باشد که ماضی نمودن است؛ یعنی ظاهر شد و نمایان گردید و به معنی فاعل نیز آمده است که ظاهرکننده باشد و به معنی ظاهر کرد و نمایان گردانید» (تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۶۷). یا «نماد در لغت به معنی نمود و نماینده است و در برابر واژه خارجی symbol از کلمه یونانی symbol on به معنی علامت، نشانه و اثر گرفته شده است» (داد، ۱۳۸۲: ۴۹۹).

از آنجا که رنگ نیز مثل موسیقی بین ملت‌های مختلف زبان مشترک جهانی به شمار می‌آید و در اکثر موارد این دو برای مفاهیم مشابهی به کار می‌روند، اغلب افراد درک نسبتاً یکسانی از رنگ‌ها دارند. برای مثال پرچم سفید، نشانه صلح است و مفاهیم رنگ پرچم کشورها برای همگان تا حد زیادی قابل درک است. رنگ‌ها با توجه به ویژگی‌های گوناگون خود، این قابلیت را دارا می‌باشند که در زمینه‌های متنوع روانشناختی، اجتماعی، فرهنگی و ... به انتقال مفاهیم مختلفی بپردازند که شاید با استفاده از ابزار دیگر نتوان آن مفاهیم را منتقل کرد. بنابراین، ممکن است بسیاری از محدودیت‌هایی را که واژگان معمولی دارند، نداشته نباشند. نکته قابل توجه دیگر در مورد رنگ‌ها این است که با توجه به اینکه می‌توان به وسیله آنها تصاویر متناقضی را خلق کرد و خیال و احساسات مخاطبان را بیشتر تحت تأثیر قرار داد، اگر از مفاهیم و دلالت‌های رنگ‌ها آگاهی نداشته باشیم، به سختی می‌توان به مقاصد و آرمان‌های شاعران پی برد.

از آنجا که رنگ‌ها تأثیر عمیق و فوق‌العاده‌ای در عواطف و اذهان مخاطبان بر جای می‌گذارند، جایگاه والایی در انتقال تجربه‌های بشری و به‌ویژه تجربه‌های احساسی دارند. به همین سبب، صفاتی چون سردی و گرمی، شادی و غم، زشتی و زیبایی، تازگی و کهنگی و امثال اینها فراوان به رنگ‌ها نسبت داده می‌شود. اگر به ادبیات ملت‌ها مراجعه کنیم، درمی‌یابیم که مردم در گذشته‌های دور و در مراسم مختلف، از رنگ‌های خاصی بهره برده‌اند که آثار آن، گاه تا روزگار ما نیز باقی مانده است. اگر بخواهیم به بحث رنگ‌ها از جنبه فرهنگ و تمدن ملت‌ها بپردازیم، می‌توان گفت: رنگ‌ها مفاهیم خاصی را در هر فرهنگی به خود اختصاص داده‌اند و هر ملتی استفاده‌های متفاوتی از این رنگ‌ها در زمینه‌های رمزی و اسطوره‌ای و ... می‌کنند که باعث تمایز ایشان از فرهنگ سایر ملت‌ها می‌شود. برای مثال، «سبز روشن رنگ غسل تعمید است و به دلیل ارتباط آن با باغ‌ها و درختان، با بهشت و نعمت مرتبط است. اکنون نیز سبز زیتونی، رنگ اسلام است» (مختار عمر، ۱۹۹۷م: ۱۶۵).

«در قرون اولیه در چین، هند و اروپا، رنگ زرد، مقدس بود و مسیحیان آن را در لوحه‌های مقدس کلیساها به کار می‌بردند و به سبب ارتباط آن با نور خورشید، این رنگ را رمز الهه خورشید می‌دانستند» (ریاض، ۱۹۶۵ م: ۱۶۵).

در میان مسلمانان، رنگ سیاه برای عزاداری به کار می‌رود. رنگ سرخ رمز شهادت و فداکاری، رنگ سفید رنگ شادی و سرور و رنگ لباس حاجیان است. بنابراین، در فرهنگ‌های گوناگون با محوریت فرهنگ و اعتقادات ملت‌ها، دلالت‌های مختلفی از رنگ‌ها پدید آمده است که با مقدسات، اسطوره‌ها، آداب، سنن و شرایط تاریخی و جغرافیایی آنان ارتباط مستقیم دارد.

## ۲- پیشینه پژوهش

بسیاری از پژوهشگران در ادبیات معاصر و نیز در حیطه ادبیات پایداری به مسئله نمادپردازی که از تأثیر مهمی در صور خیال برخوردار است پرداخته‌اند، از جمله این نمادها، «رنگ» است. از پژوهش‌هایی که در این زمینه شکل گرفته، می‌توان به مقاله مرتضی قائمی و مجید صمدی با عنوان «بررسی کاربرد رنگ‌ها در تصویرپردازی محمود درویش از مقاومت فلسطین»، مقاله علی محمدی و جمیله زارعی با عنوان «بررسی و تحلیل آرایه نماد در سروده‌های قیصر امین‌پور»، مقاله محمدمهدی سمتی و نرجس طهماسبی نگهداری با عنوان «رنگ‌های نمادین در اشعار صلاح عبدالصبور» و نیز به مقاله یحیی معروف و بهنام باقری با عنوان «جایگاه نمادین رنگ در ادبیات مقاومت (نمونه مورد پژوهانه، سمیح قاسم)» اشاره کرد.

با عنایت به نو بودن مبحث رنگ‌پژوهی در ادبیات و نیز با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در زمینه مقایسه رنگ در اشعار محمود درویش و قیصر امین‌پور صورت نگرفته است، وجود پژوهشی اینچنین در تبیین مفاهیمی که دو شاعر از طریق به‌کارگیری نمادین رنگ‌ها در حوزه ادبیات پایداری استفاده کرده‌اند، یک ضرورت به‌شمار می‌رود. همچنین این پژوهش در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱- استفاده نمادین از رنگ‌ها تا چه اندازه با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه دو شاعر مرتبط است؟

۲- میان مفاهیمی که هر دو شاعر از طریق کاربرد نمادین رنگ به آنها پرداخته‌اند، چه نقطه اشتراکی وجود دارد؟

۳- به‌کارگیری رنگ به عنوان نماد در شعر کدام یک از دو شاعر بیشتر است؟

## ۲- رنگ و نماد در ادبیات

نماد یکی از آرایه‌های ادبی است. ویژگی بارز نماد، ابهام و عدم صراحت و غیرمستقیم بودن آن است؛ بدین معنا که در زبان سمبلیک، مراد و مقصود، ظاهر و صورت کلام نیست، بلکه مفهومی ورای ظاهر، فراتر و عمیق‌تر از آن است. در اشعار شاعران معاصر، از یک سو، شاهد حضور فعال و مؤثر رنگ‌ها و از سوی دیگر، شاهد تنوع زیاد آنها هستیم. گسترش نقاشی و هنر از عوامل تأثیرگذار در افزایش توجه شاعران به رنگ در شعر معاصر است.

«مسئله ابهام و غموض در شعر معاصر نیز از عوامل تأثیرگذار در توجه شاعران به رنگ است. از آنجا که رنگ‌ها در طول تاریخ، برای اشخاص گوناگون معانی مختلفی داشته‌اند، لذا می‌توانند یکی از مهم‌ترین عناصر، برای نمادپردازی انسان باشند، چراکه رنگ و سمبل، همان‌گونه که گفته شد، مکمل تجربه‌های انسان و بازتابی از تفکر مردم است. بنابراین، به‌کارگیری رنگ‌ها در معانی نمادین و سمبلیک از ویژگی‌های شعر معاصر است» (سمتی و طهماسبی، ۱۳۹۰: ۶۹). به‌کارگیری نمادها و رموزها یکی از برجستگی‌های ممتاز شعر معاصر ایران و عرب، به‌ویژه شعر مقاومت است. شاعران ادبیات مقاومت برای بیان مفاهیم، اندیشه‌ها و آرمان‌های خود، به هر وسیله‌ای تمسک جستند. ایشان از رهگذار نماد و رمز، وضعیت مردم ستمدیده خود را به تصویر می‌کشند و از آنجا که بستر اصلی کاربرد نمادین رنگ در شعر معاصر، مسائل سیاسی و اجتماعی است، خفقان سیاسی و اجتماعی موجود جامعه را می‌توان مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل گرایش شاعران مقاومت به عنصر رنگ و دلالت‌های نمادین آن دانست.

## ۳- قیصر امین‌پور و رنگ

امین‌پور در سال ۱۳۳۸ در گتوند خوزستان به دنیا آمد. در سال ۱۳۶۳ شمسی، اولین کتاب‌های او، یعنی *تنفس صبح* و *در کوچه آفتاب* را منتشر ساخت و دو سال بعد به انتشار *طوفان* پرداخت تا سرانجام در تهران و در ۴۸ سالگی با وجود مشکلات زیاد جسمی (حاصل از یک تصادف سخت) درگذشت. از کتاب‌های مهم او، *سنت و نوآوری در شعر معاصر*، *مجموعه گلها همه آفتابگردانند* و *دستور زبان عشق* است که از آخرین کارهای او به شمار می‌آید. علی محمدی و جمیله زارعی در مقاله «بررسی و تحلیل آرایه نماد در سروده‌های قیصر امین‌پور» بر این اعتقادند که «نمادگرایی قیصر به دلایل داخلی و خارجی، با تحولات و حوادث تأثیرگذار بر زندگی شاعر در ارتباط است. قیصر زاده انقلاب بود و شخصیت علمی و ادبی او در فضای خاص انقلاب شکل گرفت» (محمدی و زارعی، ۱۳۹۰: ۴۳). جنگ تحمیلی از حوادث تأثیرگذار بر زندگی امین‌پور

است، چراکه او فرزند سرزمین خوزستان، جبهه اصلی نبرد با دشمن متجاوز است. وی از جمله شاعرانی است که شکل‌گیری و درخشش شعری وی با پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی همزمان بود. عمده اشعار وی در فضای آرمان‌های انقلاب اسلامی و جنگ سروده شده است. از سوی دیگر، او شاعری متعهد به ارزش‌های مذهبی است و اعتقادی استوار به آرمان‌های انقلاب دارد. با فروکش کردن التهاب جنگ و انقلاب، شاعر با واقعیت زندگی روبه‌رو می‌شود و خسته از آرمان‌گرایی، به گوشه‌ای خزیده و دردمند است.

هدف امین‌پور از به‌کارگیری برخی نمادها بیان حال و هوای درونی خود اوست. در واقع، او به واسطه رنگ که از جمله این نمادهاست، خواست‌ها، آرمان‌ها، دلتنگی‌های خود را بیان کرده است. به عنوان نمونه، برای بیان آرزوی شهادت و رهایی از جسم و تعلقات، از پرواز و قفس استفاده می‌کند و گاهی اوقات نماد رنگ در شعرهای مرتبط با جنگ امین‌پور، برای تشویق رزمندگان به کار می‌رود. رهایی فلسطین نیز از جمله موضوع‌هایی است که در شعر قیصر یافت می‌شود. او درباره فلسطین نیز از نمادهای مربوط به رنگ بهره برده است که نگارندگان در ادامه به آن خواهند پرداخت.

#### ۴- محمود درویش و رنگ

«محمود سلیم درویش در ۱۳ مارس سال ۱۹۴۲ میلادی در روستای البروه فلسطین متولد شد» (التقاش، ۱۹۷۱م: ۹۷). همچنین، «او یکی از رانده‌شدگان فلسطینی بود که به همراه خانواده‌اش به لبنان رفت. طولی نکشید که به وطن باز گشت، اما در وطن خود نیز همواره مانند پناهندگان می‌زیست. او تنهایی و سختی زندگی در وطن را بسی ارزشمندتر از پناهندگی در کشور های دیگر می‌دانست» (خلیل جحا، ۱۹۹۹م: ۴۶۹-۴۷۰). درویش در طول زندگانی خود که همراه با درد و اندوه بود، در فراق وطن سوخت و دست به آفرینش آثار ارزشمندی زد. وی توانست مجموعه‌های شعری بسیار و نیز چندین کتاب و مقاله منتشر کند. از مشهورترین مجموعه‌های شعری او می‌توان به *عاشیق من فلسطین*، *آخر اللیل*، *العصافیر تموت فی الجلیل*، *أوراق الزیتون* و *عصافیر بلا أجنحة* اشاره کرد. او در ۹ آگوست ۲۰۰۸ میلادی دار فانی را وداع گفت.

محمود درویش از پیشگامان شعر معاصر عربی است. توجه بیش از حد او به مسئله فلسطین و وطن، یکی از عوامل شهرت اوست، به گونه‌ای که اگر آن دسته از اشعاری که وی در باب وطن و فلسطین سروده است، از دیوانش حذف شود، او شعر چندانی نخواهد داشت. در کنار موسیقی که از

عوامل زیبایی شعر محمود درویش است، می‌توان به عنصر رنگ اشاره کرد که وی در بسیاری موارد از آن برای زیبایی شعرش استفاده کرده است. رنگ یکی از عوامل زیبایی شعر درویش به‌شمار می‌آید. از آنجا که درویش از نقش رنگ‌ها در تأثیرگذاری بر عواطف و احساسات آگاهی دارد، سعی در استفاده هوشیارانه از این عنصر به صورت نمادین در اشعار خویش دارد (ر.ک؛ قائمی و صمدی، ۱۳۸۹: ۲۶۷).

### ۵- رنگ‌های پرکاربرد در شعر قیصر امین‌پور و محمود درویش

با بررسی اجمالی که در دیوان محمود درویش و هشت مجموعه شعر قیصر امین‌پور صورت گرفت، پس از استخراج رنگ‌های موجود در اشعار این دو شاعر، مشاهده شد که از میان رنگ‌های مختلف، چهار رنگ «سبز»، «سرخ»، «زرد» و «سیاه»، بیشترین بسامد در اشعار پایداری این دو شاعر دارند که به ترتیب به آنها خواهیم پرداخت.

#### ۵-۱) سبز

رنگ سبز، رنگ طبیعت است و در برابر، رنگ قرمز قرار دارد. این رنگ نماد رشد، توازن و هماهنگی، تازگی، حاصل‌خیزی، ایمنی، قدرت معالجه، ثبات، پایداری و امید است. رنگ سبز برای چشم انسان ایجاد آرامش و راحتی می‌کند. رنگ سبز زیتونی نیز رنگ صلح است. سبز نماینگر عزم، راسخ، پایداری و از همه مهم‌تر، مقاومت در برابر تغییرها می‌باشد و از ثبات عقیده نیز حکایت می‌کند. رنگ سبز از نظر نماد، شباهت به درخت کاج دارد که دارای ریشه‌ای عمیق، مغرور و تغییرناپذیر است (ر.ک؛ لوچر، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۴). رنگ سبز در شعر محمود درویش بیشترین کاربرد را به عنوان نماد «مقاومت و پایداری» به خود اختصاص داده است که می‌توان موارد آن را از هم متمایز کرد. به عنوان مثال، رنگ سبز زیتونی و به طور کلی، زیتون نماد کشور فلسطین است. درویش در جای‌جای اشعارش به این نماد پرداخته است و به‌وسیله آن به جاودانگی و پایداری فلسطین اشاره کرده است.

«و الْكُونُ يُسْعَى...»

سَنْظَلُ فِي الزَّيْتُونِ خُضْرَتَه

و حَوْلَ الْأَرْضِ دَرَعاً» (درویش، ۲۰۰۰م: ۳۲).

یعنی؛ «و هستی در تکاپوست...»

و در حالی که پیرامون زمین را جنگ‌افزارها احاطه کرده است

سبزی زیتون را حفظ خواهیم کرد».

شاعر در شعر به تلاش و کوشش مردم فلسطین در حفظ سرسبزی زیتون پرداخته است که در حقیقت، به این موضوع اشاره کرده که چون سرسبزی زیتون نشان سرزندگی آن است و از آنجا که زیتون، نماد فلسطین است، مردم آن در حقیقت، برای جاودانگی کشور خود از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد.

از موارد دیگری که درویش از رنگ سبز به صورت نمادین استفاده کرده، می‌توان به امید داشتن به آینده و روزهای خوش اشاره کرد. با توجه به اینکه درویش در محیط فلسطین زندگی کرده، لذا از تمام عناصر آن برای بیان نمادین مقاومت بهره برده است. از جمله اینکه او با اشاره به سبز بودن رنگ چشم کودکان فلسطینی می‌گوید:

«یا سهرَ التَّفَاؤُلِ فی أمانینا

لِخُضْرَةِ أَعْيُنِ الْأَطْفَالِ...

ننسج ضوءاً رأیتنا» (همان: ۵۱).

یعنی: «ای خوش‌بینی! ای که در آرزوهایمان به خاطر سبزی چشمان کودکان بیدار مانده‌ای! ...

نور پرچم‌هایمان را می‌بافیم».

درویش از اشاره به سبزی چشمان کودکان، امید و اشتیاق را مد نظر دارد.

قیصر امین‌پور نیز در آثار خود به موضوع رهایی فلسطین پرداخته است. این امر به خاطر تأثیری است که ادبیات مقاومت فلسطین بر ادبیات مقاومت ایران گذاشته است. او در شعرهای «پنجره» و «منظومه فلسطین» به این موضوع اشاره کرده است. او از زیتون که نماد صلح و آرامش است، استفاده کرده، می‌گوید:

«هر سحر مادر از لانه می‌رفت

در پی آب یا دانه می‌رفت

باز می‌آمد از راه هر بار

شاخه سبز زیتون به منقار» (امین‌پور، ۱۳۸۵: ۳۳).

قیصر در این شعر به تلاش کبوتر که می‌توان آن را نمادی از مردم یک جامعه دانست، برای نشان دادن آرامش و پایداری صلح بهره برده است. او «لانه» را نماد «کشور» دانسته است و «سبزی زیتون» را نماد «آرامش» به حساب آورده است.

رنگ سبز در اغلب اشعار امین‌پور، در ارتباط نمادین با شهید و شهادت است: «رنگ سبز نماد ایمان و عقیده به رستاخیز و محشر است. همچنین سبز مظهر تقدس و نشان پاکی است» (نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۳۴).

سبز در شعر امین‌پور نماد جاودانگی، طراوت، نشاط و تکامل و پختگی نیز هست.

«او را چنان که خواست

با آن لباس سبز بکارید

تا چون همیشه سبز بماند

تا چون همیشه سبز بخواند» (امین‌پور، ۱۳۶۴: ۳۳).

چنان که می‌بینیم، امین‌پور از سرباز شهید یا کسی که لباس سبز به تن دارد، سخن می‌گوید. لباس سربازان ایرانی، سبز است. قیصر می‌خواهد به مردم بگوید که چنین کشته‌ای جاودانه می‌ماند، چراکه در ادبیات ما و دین اسلام، شهیدان رمز جاودانگی هستند و خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾ (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارش روزی داده می‌شوند ﴿(آل عمران / ۱۶۹).

«خوشا چون سروها استادنی سبز

خوشا چون برگ‌ها افتادنی سبز

خوشا چون گل به فصلی سرخ مردن

خوشا در فصل دیگر، زادنی سبز» (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۶۰).

قیصر در این شعر به وضوح به جاودانه بودن شهید اشاره دارد.

از موارد دیگری که امین‌پور از رنگ سبز بهره برده، نشان دادن آن به عنوان سمبل کمال است. قیصر این نماد را برای شهیدان به کار برده است:

«افتاد؛

آن سان که مرگ،

آن اتفاق سرد،



می‌افتد، اما،

او سبز بود و گرم که

افتاد» (همان، ۱۳۷۸: ۱۳۸).

همان‌گونه که می‌دانیم، آدمی هنگام مرگ بدنش سرد می‌شود و قیصر این واقعیت را در باب شهید برعکس می‌داند و با رنگ سبز که نماد سرزندگی و نشاط است، به شهید اشاره می‌کند و بر این باور اعتقاد راسخ دارد که انسان با شهادت خود به تکامل می‌رسد. همچنین امین‌پور رنگ سبز را نماد پایداری می‌داند و در این باره، در شعر «قطعنامهٔ جنگل» می‌گوید:

«هرچند در دلش،

جای هزار خاطره تاول بود،

جنگل، بلند و سبز

پیا خاست

.....:

جنگل هجوم طوفان را

تکذیب می‌کند!

جنگل همیشه جنگل

خواهد ماند!» (همان، ۱۳۷۲: ۱۱۸).

در این ابیات، امین‌پور به استواری و پایداری که از ویژگی‌های ادبیات مقاومت است، با رنگ سبز در قالب یک جنگل اشاره می‌کند. وی معتقد است همچون جنگل که علی‌رغم طوفان و درگیری با حوادث، همچنان سبز و پایدار است، انسان نیز باید پایدار و سرسبز باشند. در واقع، شاعر از ملت‌ها می‌خواهد که پایداری را از جنگل یاد بگیرند و هر ملتی که مورد هجوم دشمنان قرار گرفته، می‌تواند با مقاومت و پایداری به گذشتهٔ خود که درخشان و پُر از بزرگی و نشاط بوده، بازگردد.

## ۲-۵) سرخ

سرخ بیانگر نیروی زندگی است و از همین روی، معنای آرزوها و تمام شکل‌های میل و اشتیاق را درخود نهفته دارد. قرمز یعنی لزوم به دست آوردن نتایج مورد نظر و کسب کامیابی. این رنگ نشانگر آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را درسایهٔ خود دارند.

سرخ یعنی محرک، اراده برای پیروزی و تمام شکل‌های شور و قدرت (ر.ک؛ لوچر، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۷). با اینکه رنگ قرمز در ادبیات، به‌ویژه ادبیات انقلابی و حماسی، رنگ مهمی است و جایگاه والایی دارد، محمود درویش کمتر به آن پرداخته است. به عنوان مثال، درویش در قصیده «جبین و غضب» رنگ قرمز را به کار می‌گیرد و می‌گوید:

«أَيُّهَا النَّسْرُ الَّذِي يَرْسِفُ فِي الْأَغْلَالِ مِنْ دُونَ سَبَبِ  
أَيُّهَا الْمَوْتُ الْخِرَافِيُّ الَّذِي كَانَ يَحِبُّ  
لَمْ يَزَلْ مَنقَارُكَ الْأَحْمَرُ فِي عَيْنِي  
سَيْفًا مِنْ لَهَبٍ» (درویش، ۱۹۸۹م: ۲۳۴).

یعنی؛ «ای عقابی که بی‌دلیل در زنجیرها تکان می‌خورد!  
ای مرگ افسانه‌ای که عاشق بود،  
هنوز منقار سرخ در چشمانم  
همچون شمشیری گداخته فرو رفته است».

در این شعر، محمود درویش از رنگ قرمز به عنوان نماد خون استفاده کرده است و نیز می‌تواند نماد درد و رنج‌های جامعه نیز باشد. همه این موارد او را می‌آزارد و شاعر رنج می‌کشد. او این دردها را مانند شمشیری گداخته در آتش می‌پندارد که در چشمانش فرو رفته است و او را آزار می‌دهد. همچنین درویش رنگ قرمز را به عنوان نماد اعتراض در قصیده «الأغنية و السلطان» به کار برده است و چنین می‌گوید:

«كَانَتْ الْأَغْنِيَةُ الْحَمْرَاءُ جَمْرَةً  
حَاوِلَ السَّلْطَانَ أَنْ يَحْبَسَهَا  
فَإِذَا بِالنَّارِ ثَوْرَةً» (درویش، ۱۹۸۹م: ۲۴۸).

یعنی؛ «ترانه سرخ، اخگری بود  
که پادشاه برای خاموش کردنش تلاش‌ها کرد  
اما به ناگاه آتش به انقلابی تبدیل شد».

درویش اعتراض‌ها را به اخگرهایی تشبیه کرده که پادشاه سعی در خاموش کردن آنها دارد. او پادشاه را خاکستر روی اخگر می‌داند و بر این باور است که خاکستر نمی‌تواند این شراره‌ها را خاموش کند و در نهایت، این اخگرهاست که به آتش که همان انقلاب است، تبدیل می‌شوند.

قیصر نیز رنگ سرخ را نماد جاودانگی، و شهادت و شهید را جاودانه می‌داند:

«کو عمر خضر؟ رو طلب مرگ سرخ کن کاین شیوه، جاودانه‌ترین طرز بودن است»  
(امین پور، ۱۳۶۸: ۳۲).

«لاله»، گلی سرخ و آتشین است و از این رو، با خون تناسب دارد. در شعر امین پور، لاله نماد «شهید» است.

«این بشر سرخ کیست  
هر چند سرخ سرخ به خاک افتاد،  
اما،

این ابتدای سبزی او بود» (همان، ۱۳۶۴: ۳۳).

\*\*\*\*\*

«خوشا چون سروها استادانی سبز خوشا چون برگ‌ها افتادنی سبز  
خوشا چون گل به فصلی سرخ مردن خوشا در فصل دیگر زادنی سبز»  
(همان، ۱۳۷۲: ۱۶۰).

امین پور مرگ و شهادت شهید را نیستی و نابودی نمی‌داند، بلکه آغاز رویش او می‌داند و او را جاودانه می‌پندارد. موارد مذکور از تشبیه‌هایی که در این شعر به کار رفته، نمایان است.

امین پور رنگ سرخ را نماد شهادت می‌داند و در شعر «تا حادثه سرخ رسیدن» چنین می‌گوید:

«کالیم که سرسبز دل از شاخه بریدیم تا حادثه سرخ رسیدن نرسیدیم»

در این شعر، قیصر از واژه «کال» که نماد «عدم تکامل و پختگی» است، بهره برده تا بدین وسیله نشان دهد، همان‌گونه که میوه به هنگام رسیدن از آن حالت خامی درمی‌آید و تغییر رنگ می‌دهد، انسان نیز با شهادت به تکامل می‌رسد و از شهادت به حادثه سرخ تعبیر می‌کند و کمال انسان را در شهادت او می‌داند.

## ۳-۵) زرد

«زرد، رنگ روشنی، بازتاب، کیفیت درخشان و شادمانی زودگذر آن است. زرد نماینگر توسعه‌طلبی بلامانع، سهل گرفتن یا تسکین خاطر است» (لوچر، ۱۳۸۶: ۹۰). با دقت نظر در دیوان محمود درویش می‌توان بدین نتیجه دست یافت که شاعر، رنگ زرد را نماد جدایی و نرسیدن به اهداف و آمال می‌داند:

«كَبْرُ الرَّحِيلِ»

كَبْرُ اصْفَرَارُ الْوَرْدِ يَا حَبِيَّ الْقَتِيلِ» (درویش، ۲۰۰۰ م.: ۲۰۳)

یعنی؛ «ای عشق کشته شده‌ام.

کوچ به درازا کشید و زردی گل سرخ بیشتر و بیشتر شد».

چنان‌که از این شعر پیداست، درویش این شعر را در غربت و به دور از فلسطین سروده است. او در واقع، از دوری خود شکایت می‌کند و هجرت خویش را طولانی می‌پندارد. از آنجا که گل سرخ در ادبیات، مظهر عشق است، شاعر از عشق خود نسبت به وطن، به گل سرخ تعبیر می‌کند و می‌پندارد همان‌گونه که گل سرخ پژمرده می‌شود و به زردی می‌گراید، عشق او به وطن نیز به چنین سرنوشتی دچار گردیده است.

کمی دقت در اشعار درویش نشان می‌دهد که او رنگ زرد را نماد «جدایی و فراق» می‌داند.

«يَتَخَاطَفُن ظِلَّ الشَّجِيرَاتِ فَوْقَ الرَّخَامِ وَيَتْرُكُن لِي

وَرَقَ الْعَمْرِ أَصْفَرَ.

مَرَّ الْخَرِيفِ عَلَيَّ وَ لَمْ أَنْتَبَهُ» (درویش، ۲۰۰۰ م.: ۵۵۶).

یعنی؛ «سایه درخچه‌ها را از روی مرمها می‌ربایند و برای من

برگ‌های خزان‌زده عمر را بر جای می‌گذارند.

پاییز بر من گذشت، بدون اینکه متوجه گذرش شده باشم».

همان‌گونه که ما فصل پاییز را بیشتر با رنگ زرد می‌شناسیم، درویش نیز با به کار بردن پاییز، به سر آمدن عمر خویش اشاره دارد و به نظر می‌رسد که او این شعر را در اواخر عمرش خویش سروده باشد و در شطر اول نیز به نوعی جدایی، البته از نوع اجباری آن اشاره دارد. امین‌پور نیز مانند درویش از رنگ زرد به عنوان نمادی برای «جدایی» استفاده کرده است و با فصل پاییز که زمان جدایی برگ از درخت است، به جدایی از دوستان شهید خود اشاره دارد.

«افتاد

آن سان که برگ

- آن اتفاق زرد -

می‌افتد» (امین‌پور، ۱۳۷۸: ۱۳۸).

او نیز به مانند درویش به رنگ زرد نگاهی مثبت دارد و می‌گوید:

«سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم،

ولی دل به پاییز نسپردیم» (همان، ۱۳۷۲: ۱۰۲).

می‌توان گفت در این شعر، امین‌پور رنگ زرد را به عنوان نمادی برای «مقاومت همراه با مصیبت‌ها و غم و اندوه» را مدّ نظر دارد و نیز اینکه علی‌رغم همه مشکلات، از مقاومت دست برنمی‌دارد و تسلیم دشمن نمی‌شود.

#### ۴-۵) سیاه

«سیاه تیره‌ترین رنگ است. سیاه نمایانگر مرز مطلق است که در فراسوی آن زندگی متوقف می‌گردد، لذا بیانگر اندیشه پوچی و نابودی است. سیاه به معنای «نه» و نقطه مقابل «بله» و رنگ سفید است. سفید به صفحه خالی می‌ماند که داستان را باید روی آن نوشت، ولی سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد. سیاه و سفید دو حد افراط و تفریط هستند. سیاه به عنوان نفی‌کننده خود، نشانگر ترک علاقه، تسلیم یا انصراف نهایی است و از تأثیر قوی بر هر رنگی برخوردار است و ویژگی‌های آن رنگ را مورد تأکید و اهمیت قرار می‌دهد» (لوچر، ۱۳۸۶: ۹۷). در دیوان درویش، رنگ سیاه بسیار به کار رفته است و در موارد مختلف به صورت نمادین از آن بهره برده شده است. او گاهی رنگ سیاه را نماد «فلسطین اشغالی» می‌داند و می‌گوید:

«زیتونیهٔ سوداء!

وهذا الوطنُ

مقصلةُ أعبدُ سكينها

إن تذبحونی لا یقول الزمنُ

رأیتکم!» (درویش، ۲۰۰۰ م: ۱۴۹).

یعنی؛ «زیتونی سیاه‌رنگ!

و این همان مرز و بوم است

گیوتینی که لبه‌اش را می‌پرستم،

اگر مرا ذبح کنید، روزگار به اینکه شما را دیده است، اعتراف نمی‌کند».

چنان‌که در بخش رنگ سبز بیان شد، زیتون یا رنگ سبز زیتونی، نماد فلسطین به شمار می‌رود، ولی در این شعر، شاعر با به کار بردن رنگ سیاه در کنار رنگ سبز می‌خواهد به مسئله اشغال فلسطین از سوی رژیم غاصب اسرائیل اشاره کند.

«إِنِّكَ الْأَخْضَرُ»

و نشیدی لک یأتی دائماً أَسْوَدُ من کثرة موتی قُربَ نیرانِ جراحک  
آیها الْأَخْضَرُ فی هذا السَّوَادِ السَّائِدِ» (درویش، ۲۰۰۰ م: ۳۲۵).

یعنی؛ «تو سراسر سبزی

و سروده‌هایم که از تو می‌گویند، از انبوه مردگان در نزدیکی آتش زخم‌هایت  
همیشه سیاه هستند

ای سراسر سبز در میان این سیاهی خیمه‌افکنده».

در این شعر، شاعر در ابتدا وطن خود را سبز می‌داند، ولی سنگینی سلطه و سایه استعمار را بر  
این سرزمین، عاملی برای سیاهی آن می‌داند و در کنار واژه سرودها که رنگ و بوی شادی دارند،  
رنگ سیاه را به کار برده است تا از این طریق، به ابراز حزن و اندوه خود از اشغال سرزمینش  
بپردازد:

«یا صاحِبِ! یا أَسْوَدَ العینین!

خذنی! کیف نفترق؟

ولیس لی سواک!» (همان: ۲۷).

یعنی؛ «ای دوست من! ای سپه‌چشم!

مرا با خود ببر! چگونه از هم جدا شویم؟

حال آنکه من جز تو کسی را ندارم!».

در بسیاری موارد دیده می‌شود که درویش با اشاره به رنگ سیاه چشمان دوستان یا معشوقه  
خود سعی دارد که به هویت اصلی فلسطین و محدوده واقعی آن اشاره داشته باشد. او از ویژگی‌های  
ظاهری فلسطینیان به طور کلی سخن می‌گوید و از سویی، افرادی با این ویژگی‌ها را هم‌وطن و از  
دوستان خود به شمار می‌آورد تا جایی که می‌گوید:

«العیونُ السَّوَدُ فی إسبانيا

تنظر شزراً و حدیثُ الحُبِّ أبکم

یحفر الشَّاعِرُ فی کَفِّهِ قَبراً

إن تکلم» (همان: ۳۴).

یعنی؛ «چشمان سیاه در اسپانیا،

تحقیرآمیز می‌نگرند و سخن عشق خاموش است

شاعر اگر زبان بگشاید، انگار در دستان خود گوری حفر می‌کند».

شاعر با این شعر به گذشتهٔ اسپانیا که در دست مسلمانان و عرب‌ها بوده، اشاره دارد و ایشان را هم‌وطن و دوست خود می‌داند. به طور کلی، اگر بخواهیم در باب رنگ سیاه که در اشعار درویش دیده می‌شود، صحبت کنیم، باید گفت که رنگ سیاه متناسب با ویژگی‌هایی که دارد، در اشعار درویش، نمادی برای حزن و اندوه از یک سو، و لعن و نفرین از سوی دیگر به کار رفته است. این رنگ در بیشتر موارد جنبهٔ منفی دارد و در موارد محدودی هم جنبهٔ مثبت پیدا می‌کند که در این مواقع، به هویت فلسطین اشاره دارد.

قیصر رنگ سیاه را نماد ظلم و ستم و یا استعمار می‌داند:

«تیغ مردان خورشید در مشتم،

کور سوی شب تیره را کشت» (امین پور، ۱۳۷۲: ۱۵۳).

امین پور در این شعر برای بیان ظلم و ستم و به طور کلی، استعمار از نماد «شب» که مشخصهٔ بارز آن سیاهی و تیرگی می‌باشد، استفاده کرده است و به نوعی، بر تشویق به جهاد در راه آزادی وطن اشاره دارد.

چنان‌که در ادبیات ما نیز رنگ سیاه نماد «حزن، اندوه و عزا» است، امین پور نیز به مانند درویش رنگ سیاه را برای حزن و اندوه به کار برده است.

«اما چرا آهنگ شعرهایت تیره

و رنگشان تلخ است!» (همان، ۱۳۸۶: ۲۳).

امین پور در شعر «حسرت پرواز»، از رنگ سیاه به عنوان نماد «حزن و اندوه» استفاده کرده است و می‌گوید:

«از روی یکرنگی شب و روزم یکی شد

همرنگ بختم تیره رختِ سوگ و سورم»

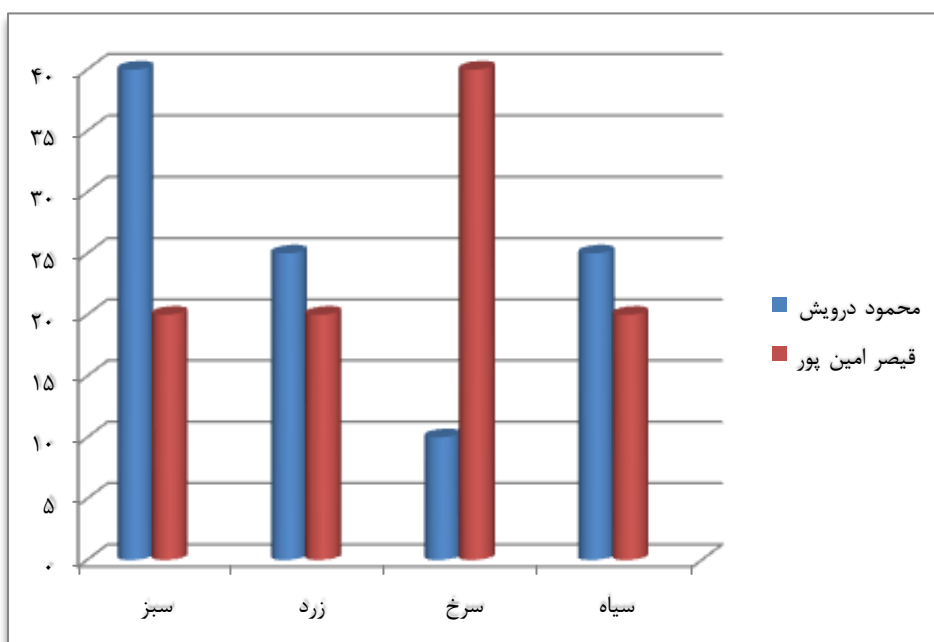
(همان: ۶۲).

شاعر از اینکه از قافلهٔ شهدا و شهادت عقب مانده است، غم می‌خورد و همیشه و در همه حال، در حزن و اندوه به سر می‌برد.

## ۶- روش تحلیل

از آنجا که این جستار از نظر آماری جزء پژوهش‌های کمی به شمار می‌آید، در تحلیل داده‌ها از روش تجزیه و تحلیل توصیفی که بهترین روش در پژوهش‌های کمی به شمار می‌آید، استفاده شده است. برای این کار، ابتدا به بررسی دیوان محمود درویش و هشت دفتر شعری قیصر امین‌پور از طریق شمارش رنگ‌ها پرداختیم و مجموعه رنگ‌هایی که دو شاعر در اشعار خود به کار برده‌اند، گردآوری شد. سپس از میان رنگ‌های مختلف، داده‌هایی در قالب چهار رنگ سبز، سرخ، زرد و سیاه که بیشترین کاربرد را در حیطه ادبیات پایداری این دو شاعر دارند، طبقه‌بندی گردید. بعد از گردآوری داده‌ها و طبقه‌بندی از طریق نرم افزار SPSS، به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد و از طریق نمودار ستونی، فراوانی هر داده مشخص گردید.

## ۷- نمودار تنوع رنگ در اشعار دو شاعر و تحلیل آن



نمودار فوق بر اساس بررسی‌های انجام شده، نشان‌دهنده مطالب زیر است:

در نمودار فوق، ستون اول هر نمایه مختص محمود درویش و ستون دوم مختص قیصر امین‌پور است. در این نمودار، دو چیز بیشتر قابل توجه است؛ یکی اختلاف در دو رنگ سبز و سرخ که سبز در اشعار درویش بیشترین کاربرد را دارد و سرخ در اشعار امین‌پور بیشترین بسامد استفاده را دارد



و دوم آنکه می‌توان گفت هر دو شاعر در استفاده از دیگر رنگ‌ها تقریباً برابرند. با توجه به نمودار، رنگ سبز بیشترین کاربرد را در بین رنگ‌ها در اشعار درویش داشته است و دلیل این امر ممکن است به شرایط محیطی و طبیعتی بازگردد که درویش در آن زندگی می‌کرد. این امر همچنین ممکن است به نماد فلسطین، یعنی زیتون مرتبط باشد. دلیل آنکه قیصر از رنگ سرخ بیشترین بهره را برده است، به فرهنگ اسلامی ایران زمین برمی‌گردد، چراکه ما در فرهنگ خود رنگ سرخ را همواره نماد شهید، شهادت و ایثار قلمداد کرده‌ایم و شهید را نماد جاودانگی می‌دانیم. نتیجه دیگری که حاصل می‌شود، اینکه درویش از آنجا که از دلالت‌های مختلف رنگ‌ها اطلاعات بیشتری نسبت به امین‌پور داشته، توانسته است در موارد متعدّد و متنوع‌تری نسبت به امین‌پور از رنگ‌ها بهره‌گیرد که نمودار فوق مؤید مطالب یاد شده است.

## نتیجه‌گیری

با بررسی اشعار محمود درویش و قیصر امین‌پور به نتایج زیر دست یافتیم:

- ۱- رنگ‌ها در ادبیات معاصر نقش بسیار مهمی را در تصویرآفرینی و انتقال مفاهیم بر عهده دارند. درویش و امین‌پور نیز از این ویژگی به خوبی آگاهی داشته‌اند. از همین روی، هر دو شاعر با توجه به خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی رنگ‌ها، از آنها در قالب‌های مختلف از جمله مقاومت بهره‌برده‌اند.
- ۲- در میان رنگ‌ها، چهار رنگ سبز، سرخ، زرد و سیاه بیشترین کاربرد را در اشعار مقاومتی قیصر امین‌پور و محمود درویش به خود اختصاص داده‌اند.
- ۳- در استفاده از رنگ‌ها به عنوان نماد پایداری، هر دو شاعر به مضامین و مفاهیم مشترکی اشاره دارند و در این میان، «رنگ سیاه» بیشتر به عنوان نماد «جاودانگی و پایداری» به کار رفته است، «رنگ سرخ» در اشعار درویش بیشتر به عنوان نماد «اعتراض و قیام» است و در اشعار امین‌پور، نماد «شهید و شهادت» می‌باشد. رنگ زرد سمبل «جدایی و نرسیدن به اهداف و آمال» به کار رفته است و «رنگ سیاه» با توجه به خصوصیت بارز آن که پوچی، نابودی و توقف است، به عنوان نماد «حزن و اندوه» به کار رفته است. «رنگ سبز» نیز نماد «پایداری و مقاومت» و در برخی موارد، سمبل «صلح» است. وجود این مفاهیم و مضامین مشترک به نوبه خود نشان‌دهنده تأثیرپذیری انقلاب اسلامی ما از انقلاب فلسطین است.

۴- محمود درویش و قیصر امین‌پور، هر دو از شاعران معاصر و طلایه‌داران ادبیات پایداری محسوب می‌شوند، ولی سهم درویش در استفاده نمادین از رنگ‌ها به مراتب بیشتر از امین‌پور بوده است که با عوامل مختلفی از جمله شرایط سیاسی، محیطی و فرهنگی که درویش در آن زندگی می‌کرد، در ارتباط است.

۵- درویش از عنصر رنگ در موارد متعدّد و متنوع‌تری نسبت به امین‌پور بهره برده است. این امر نشان‌دهنده آگاهی بیشتر درویش از دلالت‌ها و مفاهیم مربوط به رنگ‌هاست.

### منابع و مأخذ

#### قرآن کریم.

- امین‌پور، قیصر. (۱۳۷۲). *آینه‌های ناگهان*. تهران: نشر افق.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). *به قول پرستو*. تهران: نشر افق.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۴). *تنفس صبح*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۸). *تنفس صبح*. تهران: نشر سروش.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). *دستور زبان عشق*. تهران: نشر مروارید.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). *شعر کودکی*. چاپ اول. تهران: نشر مروارید.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۸). *گزیده اشعار*. تهران: نشر مروارید.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۰). *گلها همه آفتابگردانند*. تهران: نشر مروارید.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). *مثل چشمه، مثل رود*. تهران: انتشارات سروش.
- تبریزی، محمدحسین. (۱۳۷۶). *برهان قاطع*. جلد ۴. تهران: امیرکبیر.
- خلیل جحا، میثال. (۱۹۹۹م). *الشعر العربی الحدیث من أحمد شوقی إلی محمود درویش*. الطبعة الأولى. بیروت: دارالعودة.
- داد، سیما. (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
- درویش، محمود. (۲۰۰۰م). *دیوان*. الطبعة الثانیة. بغداد: دار الحرّیة.
- \_\_\_\_\_ . (۱۹۸۹م). *دیوان*. الطبعة الثالثة. بیروت: دارالعودة.
- ریاض، عبدالفتاح. (۱۹۶۵م). *التصویر الملون الكتاب الخامس فی سلسلة التصویر الضوئی*. الطبعة الأولى. القاهرة: مكتبة الأنجلو المصریة.
- سمتی، محمد مهدی و نرجس طهماسبی نگهداری. (۱۳۹۰). «رنگ‌های نمادین در اشعار صلاح عبدالصّبور». *مجله علمی و پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*. شماره ۲۰. صص ۱۰۹-۱۳۲.

- قائمی، مرتضی و مجید صمدی. (۱۳۸۹). «بررسی کاربرد رنگ‌ها در تصویرپردازی محمود درویش از مقاومت فلسطین». *نشریه ادبیات پایداری*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال اول. شماره ۲. صص ۲۶۱-۲۸۸.
- لوچر، ماکس. (۱۳۸۶). *روانشناسی رنگ‌ها*. ترجمه ویدا ابی‌زاده. تهران: نشر درس.
- مختار عمر، احمد. (۱۹۹۷م). *اللغة واللون*. الطبعة الثانية. القاهرة: دار الكتب العلمية.
- محمدی، علی و جمیله زارعی. (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل آرایه‌نماد در سروده‌های قیصر امین‌پور». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۲۲. صص ۱۴۷-۱۷۴.
- النقاش، رجاء. (۱۹۷۱م). *محمود درویش شاعر الأرض المحتلة*. الطبعة الثانية. بیروت: دارالهلل.
- نیکوبخت، ناصر و سید علی قاسم‌زاده. (۱۳۸۴). «زمینه‌های نمادین در شعر معاصر». *نشریه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. دوره جدید. شماره ۱۸. صص ۲۰۹-۲۳۸.